

«قابلیت دسترسی» به شعب بانکی و نقش آن در پس انداز ملی،

مورد ایران

دکتر محمدعلی قطمیری

بخش اقتصاد دانشگاه شیراز

مقدمه:

تجهیز منابع مالی از طریق پس اندازها به منظور سرمایه گذاری همچنان از مسائل مهم در کشورهای مختلف و به خصوص در کشورهای در حال توسعه می باشد. گرچه تمام منابع مالی در کشورهای در حال توسعه از طریق بخش رسمی تجهیز نمی گردند، اهمیت بانک های تجاری در تجهیز این منابع و افزایش سهم بخش رسمی قابل تردید نیست. بدین جهت مطالعات متعددی به منظور بررسی نقش عوامل مؤثر بر پس انداز در کشورهای در حال توسعه به عمل آمده است. در این مطالعات در کنار عواملی از قبیل نرخ رشد درآمد ملی، نرخ سود سپرده های بانکی، پس انداز خارجی و نرخ واقعی ارز، «قابلیت دسترسی» (Accessibility) به شعب بانکی نیز به عنوان یک عامل مالی که می تواند مشوق پس انداز باشد مورد توجه قرار گرفته است.

در این مقاله پس از بررسی نقش مالی و ارتباط آن با پس انداز، مفهوم قابلیت دسترسی به شعب بانکی و اهمیت آن در جذب سپرده های پس انداز مطرح خواهد گردید. ارائه الگوی پس انداز به منظور بررسی نقش «قابلیت دسترسی» نتایج تجربی، تفسیر آن و نتیجه گیری قسمت های دیگر مقاله را تشکیل می دهد.

بخش مالی و پس انداز:

گرچه براساس تئوری های کلان، که عمدتاً بر نظریات کینز استوار می باشند، پس انداز تحت تأثیر عوامل درآمدی است، نقش عوامل مالی در تجهیز پس اندازها، به خصوص در کشورهای در

حال توسعه را نباید نادیده گرفت. شناخت نقش عوامل مالی در تجهیز پس اندازها در کشورهای در حال توسعه به چند دلیل حائز اهمیت می باشد. ۱) در این کشورها دارائی های واقعی شامل زمین، سنگ ها و فلزات قیمتی و کالاهای مصرفی با دوام در مقایسه با دارائی های مالی، بخش قابل ملاحظه ای از پس انداز جامعه را به خود اختصاص می دهند. ۲) کشورهای در حال توسعه به دلائل سیاسی و عدم امنیت داخلی با خروج سرمایه روبرو می باشند و عملاً بخشی از پس اندازها به خارج از کشور انتقال می یابد و در نتیجه تشکیل سرمایه داخلی را با محدودیت روبرو می سازد و ۳) بخش مالی غیررسمی، به علت کنترل نرخ سود در بخش رسمی و در نتیجه وجود شرائط "تحدید مالی" (Financial Repression)، رقیب عمده بخش رسمی در تجهیز و بکارگیری منابع مالی می باشد. در چنین شرائطی وجود یک بخش فعال مالی که بتواند در جذب پس اندازهای جامعه مؤثر باشد حائز اهمیت است و در این میان نقش بانک های تجاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مطالعات گذشته بر اساس نظریات مک کینون (۱۹۷۳) تأکید زیادی بر رفع "تحدید مالی" از طریق افزایش نرخ های سود سپرده در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است. تأکید این مطالعات بر این است در نرخ واقعی سود در این کشورها به علت نرخ های تورم بالا منفی بوده و در نتیجه بخش رسمی توانائی لازم را برای جذب سپرده های پس انداز در اختیار ندارند. علیرغم اهمیت نرخ های سود سپرده، نقش این عامل در تجهیز سپرده ها همچنان در کشورهای در حال توسعه قابل بحث است. با وجود آنکه در کلیه مطالعات رابطه مثبت بین سود سپرده و میزان پس انداز را به طور کامل مورد تأیید قرار نمی گیرد جیووانی نی (۱۹۸۵) نتایج بعضی از مطالعات حاکی از تأثیر مثبت اما جزئی این عامل بر پس انداز می باشد. دوملو (۱۹۸۶). همچنین تجربه برخی از کشورهای آفریقائی نشان می دهد که به علت نرخ تورم بالا و منفی بودن نرخ واقعی سود سپرده در این کشورها، تجهیز پس اندازها عملاً با مشکل روبرو می باشد و اصلاحات مالی به علت مداخله مداوم دولت ها و بازارهای مالی عملاً با شکست روبرو شده است، دیری سیک (۱۹۹۳). اما سایر مطالعات بر این نکته تأکید دارند که گرچه ممکن است افزایش نرخ های سود سپرده تأثیر مثبتی بر میزان سپرده ها نداشته باشد، اما نرخ های پس انداز تأثیر قابل ملاحظه ای بر شکل گیری پرتفولیو در این کشورها داشته و می تواند به افزایش سهم اوراق مالی که به نوعی به نرخ سود وابسته هستند در مجموعه دارائی های جامعه منجر گردد و بدین ترتیب به توسعه بخش مالی در این کشورها کمک نماید ایکاید (۱۹۹۶).

تأثیر نرخ سود سپرده بر رفتار پس انداز کنندگان هر چه باشد، تجربه اغلب کشورهای در حال توسعه حاکی از آنست که سیاستگذاران در اغلب این کشورها تمایل چندانی به افزایش نرخ های سود به طوریکه به مثبت شدن نرخ واقعی سود بیانجامد از خود نشان نمی دهند و در

عوض سیاست‌ها متوجه افزایش تعداد شعب بانکی به منظور افزایش دسترسی به خدمات بانکی و همچنین افزایش کارایی این خدمات در نقاط شهری و روستائی گردیده است. براساس آنچه که به نظریه ساختاری مالی معروف گردیده است انتظار می‌رود که با گسترش شبکه مؤسسات مالی و به خصوص بانک‌های تجاری فرآیند پس‌انداز و همچنین سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به طور قابل ملاحظه بهبود یافته و در نتیجه رشد و توسعه در این کشورها تسریع یابد (۱۹۹۶).

با توجه به اینکه تأکید این مقاله بر نقش قابلیت دسترسی به شبکه بانکی در تجهیز پس‌انداز ملی می‌باشد، در قسمت بعد به ارائه این مفهوم و نکات مربوط به آن می‌پردازیم.

گسترش شعب بانکی و «قابلیت دسترسی»

«قابلیت دسترسی» در مفهوم به معنی سهولت و راحتی استفاده از خدمات بانکی توسط مشتریان می‌باشد. این مفهوم ابتدا در کشورهایی مانند آمریکا که افتتاح شعبه یک بانک در سایر ایالات با محدودیت‌های قانونی روبرو است مطرح گردید. در این کشورها به منظور جذب سپرده‌ها و تخصیص منابع مالی به یک منطقه خاص و عدم انتقال این منابع به سایر مناطق تنها به بانک‌های محلی و بدون شعبه (Unit Banks) اجازه تأسیس داده می‌شود و برای تأسیس شعبه بانک‌هایی که مرکز آنها در سایر مناطق است (Branch Banking) محدودیت‌های قانونی وضع گردیده است. اما با توجه به اینکه فعالیت‌های بانکی مانند هر فعالیت اقتصادی دیگر با هدف سودآوری انجام می‌پذیرد، هزینه‌های مختلف به منظور سازماندهی سیستم بانکی از یک طرف و رضایت مشتریان بانک به عنوان هدف نهائی فعالیت‌های بانکی از طرف دیگر، مورد توجه و مطالعه اقتصاددانان قرار گرفته است. به طور مشخص‌تر این مطالعات عموماً در دو زمینه انجام گرفته است:

۱- تأثیر افزایش تعداد شعب بر هزینه‌ای متوسط یک بانک

۲- تأثیر افزایش تعداد شعب بر میزان قابلیت دسترسی

در رابطه با موضوع اول نتایج مطالعات متعددی که انجام گرفته است، حاکی از آنستکه با افزایش تعداد شعب، هزینه‌های متوسط بانک لزوماً افزایش نمی‌یابد و به عبارت دیگر گسترش شبکه بانکی به صرفه‌جویی‌های نسبت به مقیاس تولید همراه است، جورج بنستون (۱۹۸۲). اما در ارتباط با موضوع دوم که مورد بحث مقاله حاضر است، مطالعات عموماً معطوف به عوامل تعیین‌کننده قابلیت دسترسی به خدمات بانکی، مقایسه میزان قابلیت دسترسی مردم به بانک‌هایی که اقدام به تأسیس شعبه در یک محل می‌نمایند با بانک‌های بدون شعبه و در نهایت تأثیر آن بر میزان تجهیز منابع پس‌انداز در سیستم بانکی می‌باشد، دانالد سوچ (۱۹۷۹).

از دید مشتریان بانک، «قابلیت دسترسی» به خدمات بانکی منطقاً باید تحت تأثیر هزینه استفاده از این خدمات باشد. هزینه استفاده از خدمات بانکی را می‌توان به هزینه‌های صریح و ضمنی تقسیم نمود. هزینه‌های صریح عبارت از وجوه پرداختی توسط مشتری جهت استفاده از خدمات بانک می‌باشد. اما هزینه‌های ضمنی که در واقع مربوط به هزینه فرصت مراجعه به بانک می‌گردد، تحت تأثیر دو عامل می‌باشد. اول مدت زمانی که مشتری به منظور استفاده از خدمات در محل بانک صرف می‌نماید و دوم، مدت زمانی که مشتری صرف رفت و آمد به بانک مورد نظر از محل کار یا سکونت خود، می‌نماید. اما از نظر بانک تصمیم‌گیری در مورد تأسیس شعبه، همانطور که قبلاً اشاره گردید، در درجه اول تحت تأثیر سودآوری و یا به عبارت دیگر درآمدها و هزینه‌های آن بوده و در صورت تشخیص سودآوری، با توجه به مقررات موجود اقدام به تأسیس شعبه می‌نمایند و موارد فوق که از نظر مشتری مطرح است مستقیماً در این تصمیم‌گیری مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چنانچه هزینه‌های متوسط بانک براساس مطالعات انجام شده تحت تأثیر تأسیس شعبه قرار نداشته باشد، این تصمیم‌گیری عمدتاً تحت تأثیر درآمدهای بانک خواهد بود. درآمدهای بانک نیز به نوبه خود تحت تأثیر عواملی مانند جمعیت و چگونگی توزیع یا پراکندگی آن و درآمد سرانه خواهد بود.

در مطالعات مربوط به مقایسه «قابلیت دسترسی» به خدمات بانکی، که توسط شعبه یک بانک یا توسط یک بانک جدید ارائه می‌شود، از معیارهای مختلفی برای مفهوم «قابلیت دسترسی» استفاده شده است که از جمله می‌توان به تعداد سرانه شعب و تعداد شعب در واحد سطح مفید اشاره نمود. انتظار می‌رود که هرچه تعداد سرانه شعب یا تعداد شعب در واحد سطح افزایش یابد، هزینه‌های مراجعه به بانک از نظر مشتری کاهش یافته و قابلیت دسترسی به بانک افزایش و در نتیجه تمایل به افتتاح حساب، افزایش سپرده و استفاده از سایر خدمات بانکی توسط مشتری افزایش یابد. البته استفاده از تعداد سرانه شعب برای این منظور خالی از اشکال نیست. برای مثال چنانچه با افزایش جمعیت، به جای افزایش تعداد شعب تعداد کارمندان بانک به منظور بهبود ارائه خدمات افزایش یابد، گرچه تعداد سرانه شعب کاهش می‌یابد* اما این کاهش لزوماً به معنی کاهش دسترسی به خدمات بانکی نخواهد بود، داگلاس اوآلف (۱۹۸۸). علیرغم این اشکال، به علت عدم دسترسی به تعداد شعب در واحد سطح، در این مقاله از تعداد سرانه شعب استفاده شده است. در اینجا به ارائه الگوی تأثیر تعداد سرانه شعب بر میزان پس‌انداز می‌پردازیم.

ارائه الگوی پس‌انداز و نتایج تجربی:

به منظور بررسی این موضوع که رفتار پس‌انداز در ایران تا چه اندازه علاوه بر سایر عوامل تحت تأثیر قابلیت دسترسی به خدمات بانکی بوده است،

الگوی زیر به کار گرفته شده است:

$$SOY = \alpha_0 + \alpha_1 YGRP + \alpha_2 RER + \alpha_3 SOY_{-1} + \alpha_4 NBPP \\ + \alpha_5 DUM_1 + \alpha_6 DUM_2$$

در الگوی فوق SOY، نسبت پس انداز ملی به در آمد ملی یا نرخ پس انداز، YGRP، نرخ رشد در آمد ملی سرانه، RER، نرخ ارز مؤثر، SOY_{-1} ، نرخ پس انداز با یک دوره تأخیر، NBPP، تعداد سرانه شعب، DUM_1 ، متغیر مجازی جنگ و DUM_2 ، متغیر مجازی مربوط به تحولات بعد از خاتمه جنگ تحمیلی می باشد.

بر اساس تئوری های اقتصادی انتظار می رود که نرخ رشد در آمد ملی تأثیر مثبت و قابل ملاحظه ای بر نرخ پس انداز داشته باشد. همچنین انتظار می رود که با تعدیل و تطبیق رفتار پس انداز، ضریب نرخ پس انداز با یک دوره تأخیر نیز مثبت باشد. با توجه به اعمال سیاست های کنترل نرخ سود سپرده در ایران انتظار نمی رود که این متغیر، همانند تجربه سایر کشورها که قبلاً به آن اشاره شد، تأثیر قابل ملاحظه ای بر میزان پس انداز داشته باشد. به جای این متغیر می توان از نرخ تورم یا نرخ ارز به منظور بررسی تأثیر تغییرات قدرت خرید و در نتیجه تأثیر تغییر رفتار بین زمانی بر مصرف و پس انداز استفاده نمود. با توجه به تغییرات قابل ملاحظه نرخ ارز در طول دوره مورد مطالعه و اثرات آن بر نرخ تورم، از نرخ ارز مؤثر به عنوان یک متغیر جانشین مالی در الگو استفاده شده است. انتظار می رود که با کاهش ارزش پول و تغییرات قدرت خرید، میزان پس انداز تحت تأثیر قرار گیرد. در این مطالعه از نرخ ارز مؤثر بازار و رسمی برای بررسی تأثیر تغییرات نرخ ارز بر پس انداز استفاده شده است.

لازم به توضیح است که نرخ ارز مؤثر در مقایسه با نرخ ارز واقعی، با توجه به سهم شرکای تجاری کشور مورد نظر محاسبه می گردد و از این نظر بر نرخ ارز واقعی، که تنها با شاخص هزینه زندگی در کشورهای خارجی در مقایسه با کشور مورد نظر تعدیل می گردد، ترجیح داده می شود. همچنین بر اساس نکاتی که در رابطه با قابلیت دسترسی به شعب بانکی مطرح گردید، انتظار می رود که ضریب تعداد سرانه شعب، که به عنوان یک متغیر مالی در الگو به کار گرفته شده است، مثبت باشد. نتایج حاصل از تخمین الگو با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد شده است در جدول شماره (۱) آمده است. همچنین روند تغییرات تعداد شعب بانکی و تعداد سرانه شعب بانکی در کشور در نمودارهای شماره ۱ و ۲ آمده است.

جدول شماره ۱

نتایج برآورد تابع پس انداز ملی

$SOY = \alpha_0 + \alpha_1 YGRR + \alpha_2 RER + \alpha_3 SOY_{-1} + \alpha_4 NBPP + \alpha_5 DUM_1 + \alpha_6 DUM_2$		
	(1)	(2)
α_0	-0.755 (-2.42)	-360 (-1.77)
α_1	0.339 (4.68)	0.342 (4.97)
α_2	-0.0023(1) (-2.13)	00015 ⁽²⁾ (1.77) ⁽³⁾
α_3	0.340 (1.95)	0.442 (2.64)
α_4	4.388 (2.83)	2.17 (2.7)
α_5	-0.181 (-3.61)	-0.146 (-2.79)
α_6	.255 (2.77)	0.078 (1.16)
R^2	0/91	0.907
F	26.5	24.7
D.W.(4)	1.6	2.1

* اعداد داخل پرانتز آماره t می باشد.

(۱): نرخ ارز مؤثر رسمی

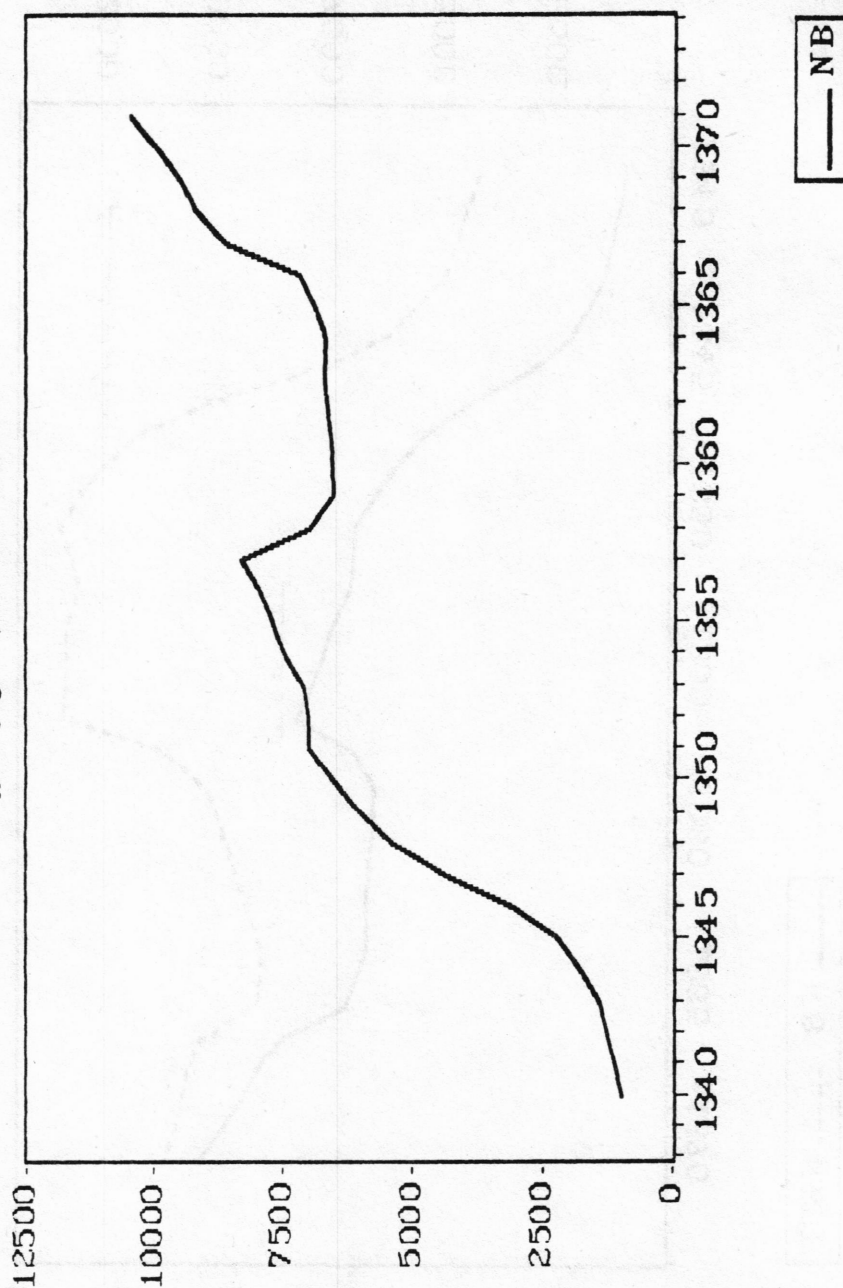
(۲): نرخ ارز مؤثر بازار

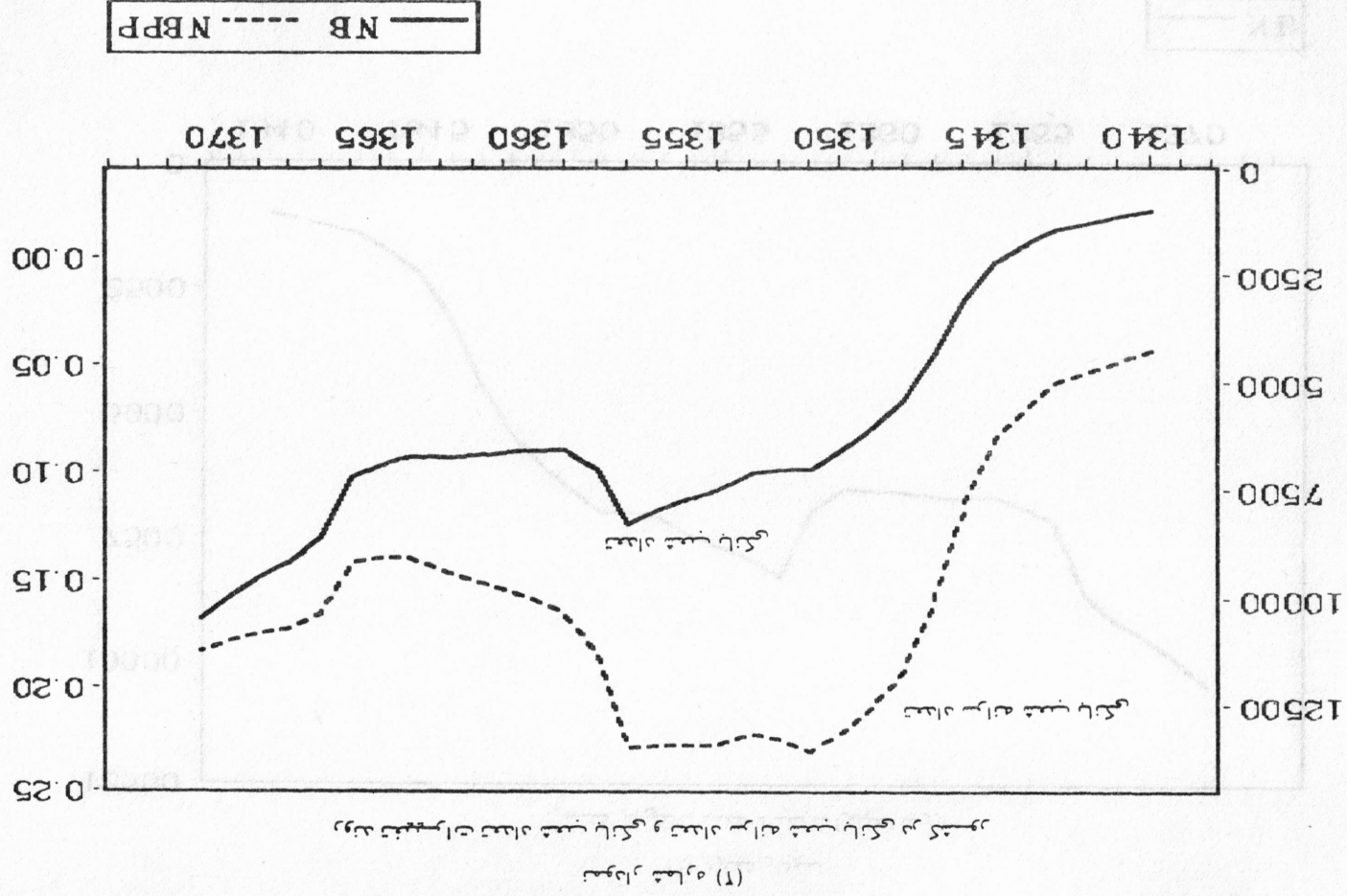
(۳) حائز آماری در سطح ده درصد. سایر ضرایب به جز α_3 در معادله اول و α_6 در معادله دوم که به ترتیب در سطح ۷ درصد

و ۲۷ درصد می باشند، در سطح ۵ درصد یا کمتر دارای اهمیت آماری می باشند.

(۴): چون تعداد مشاهدات کمتر از ۳۰ می باشد محاسبه D.H. امکان پذیر نیست.

نمودار شماره (۱)
روند تغییرات تعداد شعب بانکی در کشور





با توجه به نتایج حاصله می‌توان گفت که تأثیر نرخ رشد درآمد ملی سرانه، نسبت پس‌انداز به درآمد ملی بایک دوره تأخیر و تعداد سرانه شعب بر نرخ پس‌انداز، مطابق انتظار، مثبت بوده است. اما از نظر مقدار، ضریب سرانه شعب از سایر ضرائب بیشتر است که حاکی از اهمیت قابل ملاحظه این متغیر در شکل‌گیری پس‌انداز ملی است. ضریب متغیر مجازی DUM_2 که به منظور بررسی تأثیر جنگ تحمیلی بر پس‌انداز در الگو در نظر گرفته شده مثبت و ضریب DUM_1 که به منظور بررسی تأثیر تحولات بعد از خاتمه جنگ در الگو در نظر گرفته شده منفی می‌باشد. علامت این ضرائب حاکی از محدودیت‌های مصرفی در زمان جنگ و جبران آن در زمان بعد از جنگ می‌باشد. این نتایج کاملاً مورد انتظار بوده و با تجربه سایر کشورها که در یک دوره نسبتاً طولانی درگیر جنگ بوده‌اند مطابقت می‌نماید. اما در مورد ضریب نرخ ارز، از نقطه نظر تئوری انتظار می‌رود که با کاهش ارزش پول یا افزایش نرخ ارز تمایل به پس‌انداز کاهش یابد چرا که با کاهش ارزش پول سایر دارائی‌ها در مقایسه با پس‌انداز، به خصوص در شرائطی که نرخ سود سپرده ثابت است، از جذابیت بیشتری برخوردار خواهد بود. این متغیر با در نظر گرفتن نرخ مؤثر رسمی (ستون اول جدول) مطابق انتظار منفی بوده اما با در نظر گرفتن نرخ مؤثر بازار (ستون دوم جدول) مثبت می‌باشد. اما در این صورت مقدار ضریب بسیار کوچک و در سطح کمتر از ده درصد حائز اهمیت آماری است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به نقش کلیدی پس‌انداز در تشکیل سرمایه و اهمیت آن در توسعه اقتصادی، علل عدم پس‌انداز کافی در کشورهای در حال توسعه همواره مورد توجه اقتصاد دانان بوده و در این راستا مطالعات زیادی به منظور تعیین عوامل مؤثر بر آن انجام گرفته است. گرچه نقش رشد درآمد ملی در افزایش پس‌انداز براساس نظریه کینز بسیار روشن است، اما با توجه به اینکه پس‌اندازها به نوبه خود یکی از منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد درآمد ملی می‌باشد، نقش عوامل غیر درآمدی و به خصوص مالی در تجهیز پس‌انداز ملی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از عوامل مهم مالی که در تشویق پس‌اندازها بسیار مؤثر باشند می‌توان به نرخ سود سپرده بانکی و «قابلیت دسترسی» به شعب بانکی اشاره نمود. گرچه براساس نظریه «تحدید مالی» انتظار می‌رود که با تعیین نرخ واقعی سود سپرده به صورتی که بتواند نرخ تورم را جبران نماید، میزان پس‌انداز در بخش رسمی یا به عبارت دیگر در شبکه بانکی افزایش یابد، اما این سیاست در کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. با توجه به این موضوع افزایش دسترسی به شعب بانکی به عنوان یک راه حل مناسب به منظور افزایش پس‌انداز ملی در کشورهای مختلف مطرح گردیده است.

در مقاله حاضر پس از ارائه مفهوم «قابلیت دسترسی» به شبکه بانکی نقش این عامل در کنار عوامل درآمدی و نرخ ارز مؤثر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصله حاکی از نقش مثبت و قابل توجه تعداد سرانه شعب در پس‌انداز ملی می‌باشد. در شرائطی که نرخ سود سپرده به دلائل مختلف نقش فعالی در سیستم بانکی ایران به منظور جذب سپرده‌ها نداشته است لازم است که به نقش «قابلیت دسترسی» به منظور تجهیز پس‌انداز ملی و گسترش مناسب شعب بانکی به منظور تحقق این هدف توجه کافی مبذول گردد.

منابع و مأخذ

1. Brmodym, G.J. et. al. "Scale Economies in Banking", Journal of Money, Credit, and Money, Credit, and Banking, vol. 14, no. 4, 1982.
2. De Mele, J. "The Effects of Financial Liberalization on Savings and Investment in Uruguay", Economic Development and Cultural Change, 1986. PP. 561-587.
3. Evanoff, D.D. "Branch Banking and Service Accessibility", Journal of Money, Credit, and Banking, Vol. 20, May 1988.
4. Giovannini A., "Saving and the Real Interest Rate in LDCs" Journal of Development Economics, 1985.
5. Ikhide, S.I. "Commercial Bank Offices and the Mobilization of Private Savings in Selected Sub-Saharan Countries", the Journal of Development Studies, vol. 33 no. 1, 1996, PP. 117-132.
6. Mayer, Thomas et. al., Money Banking and the Economy, Fifth edition, W.W. Norton and Company, N.Y., 1993, PP. 173-174
7. McKinnor R.I. Money and Capital in Economic Development the Brookings Institution Washington D.C. 1973.
8. Savage D. T. et. al., "Branching Laws and Banking Offices, Journal of Money, Credit, and Banking. vol, 11, no. 2, May 1979.
9. Seck, D. et. al., "Financial Liberalization in Africa, World Development, vol. 21, no. 11, 1993.